

اقشار برخوردار از سیورغال در عصر تیموریان و امتیازات آنان شهرزاد ساسان‌پور^۱

چکیده

«سیورغال» نوعی از واگذاری زمین در عصر تیموریان بود که از سوی سلطان و یا حاکم به صورت موروثی در ازای خدمات نظامی به نزدیکان، وابستگان و امرای وفادار لشکری و سپس به کارگزاران کشوری، روحانیان و... اختصاص می‌یافت. سیورغامیشی‌ها (دارندگان و صاحبان سیورغال) به دلیل برخورداری از پاره‌ای امتیازات در آغاز عصر تیموری به سرعت به یک قدرت سیاسی برتر نسبت به رقبای خود تبدیل شدند، به گونه‌ای که شاهرخ دومین سلطان تیموری، به تغییراتی در زمینه نحوه واگذاری و امتیازات سیورغال‌ها اقدام نمود. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که: چرا سیورغال از دوران شاهرخ به اقشار گوناگون اما در ابعاد کوچک‌تر اعطاء می‌شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پیوند قبایلی حاکم بر ساختار سیاسی حکومت تیموریان در آغاز موجب شد تا وی در دوران جهانگشایی خود، به نخبگان گروه‌های مختلف امتیاز سیورغال اعطاء نماید، اما دوران جهاننداری شاهرخ، دوران گذار از ساختار قبیله‌ای به ساختار شهری بود، لذا برای عبور از این گذار تغییراتی در ساختار سیاسی و اقتصادی ضروری بود. در نتیجه تا پایان دوران تیموریان از یک سو از میزان اراضی سیورغال‌امرا و فرماندهان نظامی کاسته شد و از سوی دیگر طیف وسیعی از اقشار مذهبی و دیوانی و... با اعطای قلمروی سرزمینی کمتر در جرگه سیورغامیشی قرار گرفتند. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از آمار توصیفی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ایران، تیموریان، سیورغال، سیاست‌های ارضی، تمرکزگرایی، شهرگرایی.

The Social Strata of the Timurid Era Who had the Right to Possession of “Siorghal” and Their Privileges

Shahrazad Sasanpour¹

Abstract

“Siorghal” was a type of land assignment in the Timurid era, which was given in hereditary by the sultan or the ruler in exchange for military services to relatives, dependents and loyal army commanders, and then to state officials, clerics, etc. Due to having some privileges at the beginning of the Timurid era, the Siorghamishis (owners of Siorghals) quickly became a superior political power compared to their rivals, in such a way that Shahrukh, the second Timurid sultan, made changes in the way of handing over and the privileges of Siorghals. The main question of the current article is: why Siorghal was given to different classes but in smaller sizes since Shahrukh's era? The results of this research show that the tribal ties dominating the political structure of the Timurid government at the beginning caused Timur to give Siorghal mainly to the military-tribal elite during his world expansion. However, Shahrukh's reign was a period of transition from a tribal structure to an urban structure, so it was necessary to make changes in the political and economic structure. As a result, until the end of Timurid era, on the one hand, the amount of Siorghal lands of military commanders was reduced, and on the other hand, a wide range of religious, administrative, and artist classes were placed in the ranks Siorghamishis by granting lands, albeit with a smaller area. In this article, the descriptive-analytical research method has been used by arranging the research data in the form of statistical tables.

Keywords: Iran, Timurids, Sioarghal, land policies, centralism, urbanism.

1. Assistant Professor, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran
sh.sasanpur@gmail.com

مقدمه

پژوهشگران و محققان درباره معنا و مفهوم سیورغال که در تداوم رسم اقطاع دوران سلجوقی پدید آمد نظریات گوناگونی ارائه داده اند. از نظر لغوی برخی سیورغال را یک واژه ترکی به معنی «انعام و مدد معاش» (محمد پادشاه (شاد)، ۱۳۳۶: ۲۵۴۷) و برخی دیگر آن را یک واژه مغولی به معنای «هدیه دادن» (رویمر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۲۳)، هبه (پیکولوسکایا و همکاران، ۱۳۵۴: ۱۸۹)، «مواجب» و حتی مترادف با کلمه «هود بری» [کنایه از کابین و مهریه زنان] تلقی نموده اند (همان: ۴۴۷)، به علاوه در زبان مغولی سیورغال به صورت عام برای اعطاء و بخشش‌هایی نظیر لباس، اسلحه، پول، درجه و امتیاز به کار می‌رفت (Asimov. and C. E. Bosworth, 1998:p.338). برخی دیگر آن را از واژه سیورغا (سیورقا) به معنی مهربانی، قبول کردن، لطف و پاداش (همدانی، ۱۳۷۳: ۲۳۷۰) یا از واژه سیورغاق به معنی احسان و بخشش دائمی معنا کرده‌اند (استرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۷۸). درباره مفهوم سیورغال از نظر اصطلاحی نیز نظریات مختلفی وجود دارد. در این راستا برخی آن را نوعی از اراضی تلقی نموده‌اند که از سوی سلطان و یا حاکم در ازای انجام خدمات نظامی به نزدیکان، وابستگان و امرای دربار به صورت موروثی واگذار می‌شد (زمچی اسفزاری، ۱۳۸۰ ه.ق - ۱۹۶۱ / م: ۴۲۳) و به عبارتی نوعی اهدای مشروط اراضی (SUBTELNY, 2007: p.37)، به امراء، بزرگان لشکری، اداری - دیوانی و روحانیان بود (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۴۸۴). پاره ای دیگر آن را «زمین یا عواید زمینی که به جای حقوق و یا به عنوان مستمری یکسان بخشند» (لمبتون، ۱۳۷۷: ۷۹۳) تلقی نموده‌اند. در حقیقت سیورغال نوعی از اعطای مشروط اراضی بود که شاخص اصلی آن معافیت‌های مالیاتی و عدم مداخله دولت در اداره امور آن بود که در ایران بیشترین گسترش را در عصر تیموریان داشت (Ibid: p.37).

لازم به ذکر است که سیورغال در دوره غازان خان ابتدا به خواجه رشیدالدین فضل‌الله

۱. اسفزاری در ترسل از سیورغال هودبری برای منصب مستوفی یاد نموده که بی وبال مشارالیه «غیری را مجال مداخلت ندهد و آنچه حاصل مال و متوجهات آن شود من کل الوجوه بدو و گماشتگان او جواب گویند»، رک: اسفزاری، ترسل، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، ش بازیابی ۱۱۱۳۷۱۸: ۷۶).

همدانی اختصاص داده شد (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۰۷۰-۱۰۶۹؛ لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۸۴)، سپس به‌عنوان نوعی از اقطاع نظامی ظاهراً موروثی بعد از مرگ ابوسعید ایلخانی (در سال ۷۳۶ ه.ق) رواج یافت و تا عصر شاه‌عباس اول صفوی (۹۸۵-۱۰۳۸ ه.ق) در ایران محدود گردید (رویمر و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۲۶، ۲۲۰-۲۱۹). قدرت‌گیری سلسله تیموریان بر پایه همراهی و اتحاد امرای ترک، مغول و چغتائیان (جغتائیان) قرار داشت (یزدی، ۱۳۳۶: ۱۵۸). در این میان نوکران خاصه تیمور شامل طوایف برلاس، ترخان، ارغون، جلایر، مغول، سلدوز، طوقای، قپچاق، ارلات و تاتار بودند که در حقیقت هسته اصلی قدرت نظامی حکومت تیموریان را تشکیل می‌دادند (تربتی حسینی، ۱۳۴۲: ۳۱۴-۳۰۶). تیمور بر پایه این پیوند ایلی-قبیله‌ای، جهانگشایی‌های خود را آغاز نمود و پس از فتح ماوراءالنهر موفق به تشکیل حکومت مستقلی (۹۱۱-۷۷۱ ه.ق) گردید؛ اما برای تداوم اتحاد قبیله‌ای که در نهایت به تشکیل حکومت وی انجامید، امتیازاتی از جمله واگذاری اراضی سیورغال را برای متحدان خود اختصاص داد که به‌صورت موروثی با معافیت‌های اداری، مالی و قضایی همراه بود و در مقابل، سیورغامیشی‌ها وظیفه گردآوری سپاه و سواران نظامی را در مواقع ضروری برای حکومت مرکزی بر عهده داشتند (شامی، ۱۹۳۷/م: ۲۶ مقدمه). با دست یافتن شاهرخ به تاج‌وتخت سلطنت (۸۵۰-۸۰۷ ه.ق) تغییراتی در روند واگذاری اراضی سیورغال به افراد و نیز امتیازات سیورغامیشی‌ها ایجاد گردید؛ اما در دوران جانشینان وی واگذاری اراضی مزبور به افراد مختلف گسترش یافت که به‌نوبه خود پیامدهایی را برای حکومت به ارمغان آورد.

پیشینه پژوهش

درباره سیورغال در عصر تیموریان چند مقاله به زیور طبع آراسته شده است؛ برای نمونه امیر تیمور رفیعی در مقاله‌ای تحت عنوان «سیورغال در عهد ایلخانی و تیموری» (فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، ش ۱۲، سال چهارم)، ضمن تلقی نمودن سیورغال به‌عنوان یک مقوله اقتصادی و اجتماعی، به مباحثی همانند تحول زمین‌داری از اقطاع تا سیورغال، معنی لغوی و اصطلاحی سیورغال، سیورغال در عصر ایلخانی و تیموری به‌صورت کلی پرداخته است. همچنین رضا حبیبی نژاد در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم سیورغال به‌مثابه کلید فهم مالکیت ارضی در دوره تیموری» (فصلنامه پارسه،

سال ۱۵، ش ۲۵، ۱۳۹۴) ضمن بررسی معنی و مفهوم سیورغال به وجوه تمایز آن با اقطاع و معافیت‌های مالی، سیورغال در عصر تیمور گورکانی به‌عنوان پاداش (به اعمال جسورانه، خدمات شایسته، انقیاد حکام سابق شهرها و ولایات، پاسخ به هدایا) و سیورغال در دوران جانشینان تیمور پرداخته است. ولی دین پرست در مقاله « فنون رزم و تجهیز سپاه در رویکردهای نظامی تیمور» مندرج در فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی نیز در یک پاراگراف به اعطای سیورغال و مقام ترخانی از سوی تیمور به امیران توجه نموده و آن را از جمله راهبردهای روانی تیمور در جهت تقویت روحیه نظامی آنان بخصوص در میدان جنگ دانسته است (دین پرست، ۱۳۹۹: ۷). ماریا اِوا سابتلنی نیز در دو مقاله^۱ به این نکته اشاره نموده که تیمور در دوران سلطنت خویش برای حفظ وفاداری و اطاعت نخبگان نظامی به‌صورت محدود سیورغال‌هایی را به آنان اعطاء می‌کرد و به دلیل کاریزمایی که داشت، اقتدار خود را بر سیورغال داران اعمال می‌نمود، ولی از زمان جانشینان وی که فاقد آن اقتدار لازم بودند، سیورغال‌های گسترده‌ای به طبقات مختلف نظامی، مذهبی و... واگذار گردید. لازم به ذکر است که هرچند سابتلنی، کاریزمای تیمور را عامل اعمال قدرت و کنترل تیمور بر سیورغال داران تلقی نموده، اما در آثار دیگری که در فوق ذکر گردید به این موضوع پرداخته نشده که چرا باوجود گرایش تیموریان به تمرکزگرایی از دوران شاهرخ، اقتدار یا گروه‌های برخوردار از سیورغال گسترش یافتند، اما میزان سیورغال آنان نسبت به دوران قبل کاهش یافت؟ علاوه بر این مباحثی از قبیل این‌که: در عصر تیمور، شاهرخ و جانشینان وی چه اقشاری مشمول سیورغال می‌شدند؟ سیورغامیشی‌ها از چه امتیازاتی برخوردار بودند؟ گسترش اقتدار سیورغال دار چه پیامدهایی را برای دولت تیموریان به ارمغان آورد؟ از مهم‌ترین سوالاتی هستند که در این مقاله به آن پرداخته شده است. همچنین فرضیه موردنظر نیز این است که: ساختار سیاسی عصر تیموریان که مبتنی بر پیوند قبایلی بود، عامل اساسی تکیه تیمور گورکانی به رهبران، اُمراء و فرماندهان قبایل تُرک-جغتایی و مغول در راستای جهانگشایی و فتوحات بود، لذا تیمور برای همراه نمودن آنان با خود،

1. subtelny, Maria Eva, (1979): Socio Economic Baises of Cultural patronage under the Later Timurids. International Journal of Middle East Stadies. Vol.20.No.4.p.479-505.
-Subtelny, Maria Eva, (1988): Centralizing reform and its opponente in the late Timurid period. Iranian Studies. vol. XXI. Nu. 1-2. p.123-151.

امتیازاتی از جمله سیورغال را به آن‌ها اعطاء نمود که در دوران جانشینان وی با تغییراتی روبرو گردید. در این راستا گرایش به یکجانشینی، شهرگرایی و رویکرد فرهنگی و هنری از دوران سلطنت شاهرخ موجب شد تا دولت مزبور، سیورغال را علاوه بر فرماندهان نظامی به فرماندهان فکری، هنرمندان و فرماندهان مذهبی اعطاء نماید.

همچنین شاهرخ که در دوران حکومت خود به‌جای یاسا و تزوک، احکام شریعت اسلام را در امور قضایی کشور جاری نمود (تاکستن و همکاران، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۷؛ ل. بوآ، ۱۳۴۳: ش ۱۰، ۶۹)، برخلاف تیمور که به چادرنشینان ترک و مغول وابسته بود، برای انکاء هر چه بیشتر به ایرانیان، امور اداری، سیاسی، قضائی را به بزرگان و زمین‌داران ایرانی و روحانیون عالی‌مقام مسلمان سپرد و امور نظامی و پاره‌ای از مسئولیت‌های سیاسی را به امراء و شاهزادگان تیموری واگذار نمود (SUBTELNY, 2007: pp. 39-68). علاوه بر این در دوران موردنظر در برخی از مواقع املاک خالصه از سوی سلاطین تیموری مانند شاهرخ به‌صورت اجاره، تیول، سیورغال و... در اختیار امیرزادگان، اُمرا و سران قبایل و... قرار داده می‌شد (ibid: p 36؛ تربتی حسینی، ۱۳۴۲: ۲۴۲-۲۴۳).

در مجموع سیورغال از جمله مهم‌ترین نوع مالکیت اراضی در عصر تیموریان بود که به قدرت اقتصادی و سیاسی دارندگان آن انجامید، لذا هدف از نگارش مقاله حاضر این است که اقشار مشمول سیورغال و امتیازات آن‌ها را در دوران تیمور، شاهرخ و جانشینان وی و گسترش اقشار سیورغال دار بعد از دوران شاهرخ و پیامدهای آن برای دولت تیموریان را به‌صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار دهیم. در این راستا برای استخراج داده‌های مرتبط با موضوع، نخست دامنه منابع موردبررسی را مشخص نموده و از میان آثار موجود، منابع اصلی این دوره را انتخاب و به‌صورت تمام شماری، پژوهش حاضر صورت پذیرفت. به این نحو که پس از انتخاب منابع، همه واگذاری‌ها، استخراج و در قالب ۳ نمودار سازمان‌دهی گردید. در مرحله بعد با تکیه بر نمودارهای مزبور، تلاش گردید تا تغییر اقشار صاحب سیورغال در دوران تیموری را به‌صورت توصیفی مطرح نموده و سرانجام با شیوه تطبیقی و تحلیلی به بررسی آن پرداخته شود.

با ذکر این مقدمه، در مبحث پیش روی ضمن بررسی اجمالی اقشار برخوردار از

سیورغال در دوران تیموری به پیامدهای گسترش افشار مشمول آن پرداخته شده است.

۱- افشار برخوردار از سیورغال در عصر تیموریان

با توجه به مندرجات موجود در منابع روایی و کتب تاریخی به جای مانده از عصر تیموریان می توان دریافت که بخشش سیورغال در عصر تیمور مرسوم بوده (نطنزی، ۱۳۳۶: ۳۱۸، ۳۳۵، ۳۵۸؛ یزدی، ۱۳۳۶: ۷۶۸، ۷۱۳). در واقع سیورغال عصر تیموری مشابه اقطاع اواخر عصر مغول - ایلخانی است که پیش از عصر مغول نیز در ایران مرسوم بود، البته در اواخر عصر ایلخانی به صورت غیررسمی به عنوان یک «فیف» درآمد که مالک آن از مصونیت مالیاتی برخوردار بود، منتهی در اواخر عصر ایلخانی هنگامی که این بخشش به «سیورغال» تبدیل شد، مصونیت مالیاتی توسط صاحبان سیورغال رسمیت یافت (Asimov and C. E. Bosworth, 1998:p.339).

در منابع عصر تیموری بارها از شیوه اراضی سیورغال در منطقه خراسان بزرگ یاد شده که از وسعت فزاینده ای برخوردار بودند، زیرا بخشی از اراضی این منطقه از سوی تیمور و بخش دیگر آن توسط شاهرخ در ردیف اراضی سیورغال قرار گرفت (یزدی، ۱۳۳۶: ۲۵۷؛ شامی، ۱۳۶۳: ۸۸-۸۹). وسعت این دسته از اراضی متفاوت بود که گاهی شامل روستایی مانند «کوسویه» و گاهی شامل یک ایالت یا شهر بزرگ می شد (NICOLLE PUD, 1990: p.13). در مجموع مقارن با عصر تیموریان سیورغال به افراد مختلفی واگذار می شد که عبارتند از:

۱-۱- امیران و اشراف نظامی زمین دار ترک - چغتایی و مغول

در ابتدای قدرت گیری تیمور گورکانی در ماوراءالنهر، نیاز وی به این گروه و بخصوص افراد وفادار آنان، موجب اعطای سیورغال های بسیاری از سوی تیمور به آنان شد، چنان که تیمور به امراء و سرداران الوس چغتایی که از ارکان اصلی حکومت وی محسوب می شدند

۱. در شهرهای اروپای قرون وسطی که حیات اجتماعی در روستاها قرار داشت، اراضی اروپایی به اقطاع بزرگی به نام «فیف» Fife تقسیم می شد که به یک خاندان نجیب زاده به ریاست ارباب فئودال و یا لرد تعلق داشت که در واقع این اراضی چون کالا محسوب نمی گردید، به ندرت خرید و فروش می شدند و چون شامل قطعات مجزا بودند، دارای اقتصاد خودکفا و معیشتی و نیز منکی به تولید محلی بودند و ارباب در واقع حاکم زمین و منطقه تحت نفوذ خود و مالک جان و مال و ناموس مردم تحت لوای خود بود.

(حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۱۶۰) توجه بسیاری داشت.

درواقع در عصر تیموریان، پس از سلطان و درباریان در سلسله‌مراتب قدرت سیاسی، فرماندهان نظامی که از امرای تیمور بودند، بالاترین جایگاه را در تشکیلات حکومتی خراسان داشتند؛ که برخی از آن‌ها نیز مانند «امیر سعید خواجه» در عصر شاهرخ (در سال ۸۰۷ ه.ق) به مقام امیرالامرای خراسان رسید؛ هرچند مدتی بعد سر به شورش نهاد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶ م: ۳۸، ۳۵). علاوه بر این مشاغل و مناصب نظامی فرماندهان سپاه، موروثی بود و بعد از مرگ آن‌ها به فرزندانشان منتقل می‌شد؛ برای نمونه بعد از مرگ امیرشاه ملک و شیخ لقمان برلاس (۸۴۱ ه.ق) که از اعضای دیوان اعلاء در هرات بودند، مناصب آن‌ها از سوی شاهرخ به پسرانشان واگذار گردید (میرخواند، ۱۳۳۹: ۷۱۲-۷۱۱).

تعدادی از امیران و سرکردگان نظامی، نیز مانند شاهزادگان تیموری اداره برخی از نواحی خراسان را که به‌عنوان سیورغال به آن‌ها داده‌شده بود بر عهده داشتند و گاه از این موقعیت استفاده کرده، دارای قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری گسترده در قلمرو خود شدند (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۵۵۶). برای نمونه تیمور پس از فتح نواحی ترشیز و کلات در سال ۷۸۴ ه.ق ضمن دادن امان به سکنه آن سیورغالات و انعامات برای آنان مبذول داشت و شهر و ولایت معین نمود (شامی، ۱۹۳۷ م: ۸۹؛ یزدی، ۱۸۸۷ م: ۳۴۷). همچنین ناحیه رادکان را به‌عنوان سیورغال به «امیر شیخ علی بهادر» (شامی، ۱۳۶۳: ۸۸؛ یزدی، ۱۸۸۷ م: ۳۵۲)؛ قصبه کوسویه را به سیورغالی امیرشاه ملک و قریه خوراشه در جوین سبزواری را به وارثان امیرحاجی برلاس سپرد (یزدی، ۱۳۸۷: ۳۱۵) و در سال ۷۸۶ ه.ق موضع گاو کرش (در مازندران) را هودبری و به عبارتی به صورت ابدی، سیورغال امیر مبشر قرار داد (شامی، ۱۹۳۷ م: ۹۵؛ یزدی، ۱۸۸۷ م: ۳۸۳). سارو عادل نیز که از نزد سلطان احمد جلایر گریخته و به شیراز رفته بود از سوی تیمور طلبیده شد و دارای سیورغالات و انعاماتی همراه با واگذاری امور سلطانی و تبریز به وی گردید (شامی، ۱۹۳۷ م: ۹۷). کوچه ملک نیز که موفق به آزاد کردن اسیران خجند و شکست ۳۰۰ نفر از نیروهای دشمن شد از سوی تیمور صاحب سیورغال و مفتخر به لقب «ترخان» گردید (شامی، ۱۹۳۷ م: ۱۰۷؛ یزدی، ۱۸۸۷ م: ۴۴۷).

جلال بهادر (فرزند امیر حمید) نیز که در نبرد دشت قیچاق دلاوری بسیار نموده و با ۳ لشکر قیچاقی مقابله کرد از سوی تیمور ولایتی معتبر به سیورغالی دریافت نمود (شامی، ۱۹۳۷/م: ۱۲۲). بعد از فتح قلعه ماردین، عامه لشکر از سوی تیمور صاحب سیورغال شدند (همان: ۱۴۶). در فتوحات هند نیز بسیاری از بهادران لشکر با حکم تیمور صاحب سیورغال گردیدند (حافظ ابرو: ۱۳۸۰: ۷۸۱).

شاهرخ در سال ۸۰۸ ه.ق ناحیه رزکان از توابع توس را به عنوان سیورغال به الیاس خواجه (پسر شیخ علی) سپرد (Forbes Manz, 2007: p.114). در سال ۸۰۹ ه.ق متعاقب شورش خلیل سلطان برای تصاحب تاج و تخت سلطنت، از آنجایی که امیر سلیمان شاه در هرات به شاهرخ پیوست، سرخس به عنوان سیورغال به سلیمان شاه واگذار گردید (السلمانی، ۱۹۵۵/م: ورق ۹۳ ب، ۷۹ ب و ۴۲ الف؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۸۸-۸۱). در سال ۸۰۹ ه.ق شاهرخ، قلعه بژارود (میرخواند، ۱۳۳۹: ج ۶، ۵۳۰) و مدتی بعد ترشیز (کاشغر) را به سیورغالی امیر مضراب بهادر اختصاص داد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۵۰). در سال ۸۱۰ ه.ق نیز امیر حسن جاندار و پسرش یوسف جلیل سیورغالی مناطق قهستان و طبس را داشتند (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۲۱۵-۲۰۹؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۵۴۶-۵۴۴؛ فصیحی خوافی، ۱۳۳۹: ۱۷۵).

همچنین امیرزاده عمر (فرزند میران شاه) حاکم مازندران، پس از آنکه بر علیه شاهرخ شورید، برخی از مناطق مازندران را به عنوان سیورغال، تیول یا اقطاع به امرا واگذار نمود (حافظ ابرو، ۱۳۷۲، ۱۵۰). در سال ۸۱۴ ه.ق نیز شاهرخ سیورغال قصبه «کوسویه» در هرات که در زمان تیمور در اختیار «امیرشاه ملک» بود را تمدید نمود و او را ملازم اردوی خود در هرات گردانید (همان: ۴۳۶-۴۳۴؛ فصیحی خوافی، ۱۳۳۹: ۲۰۷)، همچنین خوارزم را نیز در سیورغالی وی قرارداد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۶۰). پس از وی «کوسویه» سیورغال تومان آغا (همسر امیر شیخ نورالدین) گردید (همان: ۶۲). همچنین در سال ۸۱۸ ه.ق شاهرخ پس از دفع شورش شاهزاده بایقرا در شیراز «همگان را بناوخت و به زیادت سیورغالات و انعامات مخصوص کرد» (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۶۰۵)، به گونه‌ای که نواحی قم، کاشان، رستم دار و گیلان را به «امیر الیاس خواجه بهادر» فرزند «امیر شیخ علی بهادر»

سپرد (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۶۱۱-۶۰۹؛ روملو، ۱۳۴۹: ۱۰۱؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۵۳۶-۵۳۵). ایالات قهستان و طیس سیورغال امیرحسن جاندار و پسرش یوسف جلیل و ناحیه اندخود نیز سیورغال امیر سید احمد ترخان (برادرزن شاهرخ) بود (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۳۰۶ و ۱۲۴).

بعد از فوت مظفرالدین امیر الیاس خواجه در سال ۸۴۱ ه.ق که از سوی شاهرخ در سال ۸۱۸ ه.ق صاحب سیورغال قصبه رادکان شده بود، سیورغالی این قصبه از سوی شاهرخ مدام‌العمر به امیر سید یوسف (پسر امیر سید خواجه) سپرده شد (همان: ۶۸۲). در سال ۸۵۳ ه.ق نیز ابوالقاسم بابر (۸۶۱-۸۵۳ ه.ق)، ولایت سرکارتون را به‌عنوان سیورغالی به خدام علاءالدوله سپرد (همان: ۹۶۸؛ خواند میر: ۱۳۳۳: ۳۱).

علاوه بر این در سال ۸۵۴ ه.ق هنگامی که امرای خراسان به میرزا ابوالقاسم بابر پیوستند، وی همه را «انعام و اکرام و توقیر و احترام فرمود و ولایات به‌رسم سیورغال کرم نمود» (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۱۰۰۱؛ خواند میر، ۱۳۳۳: ۱۱۱). در سال ۸۵۴ ه.ق ابوالقاسم بابر (متعاقب شورش میرزا علاءالدوله)، پس از مشورت با ارکان دولت، امیر ناصرالدین پیر درویش و امیر مبارزالدین هزار اسبی را اکرام نمود و ولایت بلخ، شبرغان، قندوز، بغلان، ارهنگ، سرای، سان و چاریک از حدود بدخشان تا آب مرغاب را به سیورغالی آنان اختصاص داد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۱۰۱۱). همچنین در سال ۸۵۶ ه.ق به هنگام عزیمت میرزا ابوالقاسم بابر به‌جانب شیراز «فرمان همایون نفاذ یافت که احکام سلاطین گذشته به تخصیص نشان‌های حضرت خاقان سعید را امضاء دهند و هودبریات و سیورغالات و مسلمیات مسلم دانسته مجری داشتند» (همان: ۱۰۳۷). در این میان بعد از شورش میرزا سلطان محمد و سرکوبی وی، پیر علی هزار اسبی سیورغالی بلخ و امیر خلیل سیورغالی مرو و ماخان را در اختیار داشتند (همان: ۱۰۴۰). در سال ۸۵۷ ه.ق نیز هنگامی که رکاب ابوالقاسم بابر «به‌ظاهر بلده تون قرار گرفت، داروغه آنجا، قرمان ترکمان به شرایط خدمتکاری قیام نمود. در نتیجه میرزا ابوالقاسم بابر آن ولایت را که سیورغال او بود از او گرفته و به امیر غیاث‌الدین سلطان حسین عنایت فرمود» (همان: ۱۰۴۲). در سال ۸۵۸ ه.ق نیز ابوالقاسم بابر، ولایت بلخ را به سیورغالی امیر حسام‌الدین شیخ حاجی (همان:

۱۰۴۹) و در سال ۸۵۹ ه.ق ولایت نیمروز سیستان را به سیورغالی امیر خلیل اختصاص داد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۱۰۸۴). در سال ۸۶۰ ه.ق امیرمحمد خداداد و امیر حسن شیخ تیمور که سیورغالات آنان به یکدیگر متصل بود برای رفع اختلاف به دیوان اعلیٰ مشهد مراجعه نمودند (همان: ۱۱۰۹-۱۱۰۸). در سال ۸۶۱ ه.ق امیر حسن جاندار سیورغالی نیشابور (همان: ۱۱۱۰) و پهلوان حسین دیوانه سیورغالی خواف را داشتند (همان: ۱۱۲۹؛ خواند میر، ۱۳۳۳: ۶۵).

سلطان ابوسعید تیموری (۸۷۲-۸۶۱ ه.ق) در سال ۸۶۶ ه.ق از طریق امرای توچی به سرکردگان و امرای ایل جلایر بشارت داد که در نواحی گل افشان استرآباد (که در آن منطقه گردنکشی می کردند) برای آنان علوفه و سیورغال مقرر می دارد، در نتیجه امیران جلایر به منطقه گل افشان آمدند، اما گماشتگان ابوسعید آنان را در دام انداخته، دستگیر نموده و گردن زدند (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۱۲۵۴).

در سال ۸۷۵ ه.ق به هنگام حکومت سلطان حسین بایقراء (۹۱۱-۸۷۳ ه.ق)، امیر زین العابدین، به امارت توچی منصوب گردید «و همه را ولایات و سیورغالات مقرر شد» (همان: ۱۴۱۴). همچنین در سال مزبور، ولایت مرو، سیورغال امیر ایوب (همان: ۱۴۱۷) و جرمکان (جرمغان) و سملقان نیز سیورغال امیر حسن شیخ تیمور بود (همان: ۱۴۱۸؛ خواند میر، ۱۳۳۳: ۱۴۸).

۱-۲- بازماندگان خاندان های حکومتی و حکام سابق: این گروه نیز در ابتدای

حکومت تیموریان از اراضی سیورغال برخوردار می شدند؛ برای نمونه تیمور، پس از سرکوبی مظفریان فارس و عراق در سال ۷۸۹ ه.ق منطقه سیرجان را به سیورغالی سلطان ابواسحاق، نبیره شاه شجاع مظفری درآورد (یزدی، ۱۳۳۶: ۳۲۰). همچنین تیمور در سال ۷۹۰ ه.ق اخلاط را به حاکم عادل جواز (شامی، ۱۹۳۷/م: ۱۵۳) و قلعه کرکوک را به سیورغالی امیرعلی موصلی (یزدی، ۱۳۸۷: ۸۰۰؛ شامی، ۱۹۳۷/م: ۱۴۵؛ یزدی، ۱۸۸۷/م: ۶۶۱) اختصاص داد. بعد از تصرف قلعه کفار سمسر گرجستان، تیمور به بیش کنت رفت و «اهالی آن مواضع که پیشتر از آن آمده و انقیاد نمودند، سیورغال یافتند» (شامی، ۱۹۳۷/م: ۱۶۴؛ یزدی، ۱۸۸۷/م: ۷۷۳-۷۷۰). متعاقب شکست ایلدروم بایزید (سلطان عثمانی) و اطاعت وی

از تیمور، مجدداً سیورغالات به وی اعطاء شد (شامی، ۱۹۳۷/م: ۲۶۲). علاوه بر این پس از روی‌گردانی توقتمیش خان از اروس خان و پیوستن وی به تیمور گورکانی، ایل و ولایت اروس خان با عنایت تیمور به سیورغالی توقتمیش درآمد (شامی، ۱۹۳۷/م: ۷۷؛ یزدی، ۱۸۸۷/م: ۲۸۹). هنگامی که ملوک گیلان مطیع تیمور شدند، خراج و طلب امان آنان پذیرفته و از سوی تیمور صاحب سیورغال و خلعت مخصوص گردیدند (شامی، ۱۹۳۷/م: ۱۰۱). تیمور پس از اطلاع حاصل کردن از حملات ترکان آناطولی به قوافل حجاج و مضرات آنان برای عامه مسلمانان، قلعه آیدین را فتح کرد و مدتی بعد سیورغالی آن را به امیر بایزید سپرد (شامی، ۱۹۳۷/م: ۱۵۶؛ یزدی، ۱۸۸۷/م: ۷۰۴-۷۰۵؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۷۹۳؛ خواند میر، ۱۳۳۹: ۴۶۱) سپس عازم گرجستان و سرکوب کفار آن نواحی شد. در دوران حکومت شاهرخ در سال ۸۱۹ ه.ق سیورغالی بدخشان در اختیار شاه نیکپی بود (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۶۴۳-۶۴۲؛ سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۱۹۵-۱۹۴). محمدجوکی (فرزند شاهرخ) نیز متعاقب ازدواج با دختر عثمان بیگ، زنجان را به‌عنوان سیورغال امیرزاده یعقوب بیگ قرارداد (تهرانی، ۱۳۵۶: ۱۱۹).

۳-۱- امیرزادگان و شاهزادگان خاندان تیموری: علاوه بر نوکران خاصه و فرماندهان نظامی، تیمور به اعضای خاندان حاکم از جمله پسران و نوادگان آنان نیز سیورغال‌هایی را در مناطق مختلف اعطاء نمود (Asimov, and C. E. Bosworth, 1998: p.338). برای نمونه، وی پس از سرکوبی مظفریان فارس، سیورغالی و حاکمیت مطلق شیراز را به «امیرزاده عمر شیخ بهادر» (شامی، ۱۹۳۷/م: ۷۷؛ یزدی، ۱۸۸۷/م: ۲۸۹) و منطقه دجیل از توابع بغداد را به‌رسم سیورغال به حرم شاهزاده شاهی ملک (دختر امیر حاجی سیف‌الدین) اختصاص داد (یزدی، ۱۳۸۷: ۲۹۲). سلطان حسین امیرزاده نیز که در فتح دمشق حضور داشت به دریافت خلعت و سیورغال از سوی تیمور نائل آمد (شامی، ۱۹۳۷/م: ۲۲۱).

شاهرخ نیز در سال ۸۱۰ ه.ق به هنگام سرکوب شورش پیر علی تاز در بلخ، ضمن سپردن حکومت و سیورغالی بلخ به شاهزاده قایدو (پسر پیرمحمد بن جهانگیر - نوه تیمور) منطقه شبورغان را به سیورغالی امیرزاده احمد و منطقه اندخود را به سیورغالی امیر سید

احمد ترخان (فرزندان عمر شیخ) درآورد (السلمانی، ۱۹۵۵/م: ورق ۱۴۳ الف؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۱۸۶-۱۸۵؛ خواند میر، ۱۳۳۳: ۵۳۷؛ فصیحی خوافی، ۱۳۳۹: ۱۷۲).

همچنین در سال ۸۱۲ ه.ق شاهرخ، سیورغالی اوزکند را به خاطر دلآوری‌های امیرزاده احمد بن عمر شیخ در دفع شورش خدایداد حسینی به وی (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۳۰۲-۳۰۱) و به قولی به امیرزاده احمد میرک سپرد (السلمانی، ۱۹۵۵/م: ورق ۱۴۸ ب؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۳۰۸-۳۰۰؛ خواند میر، ۱۳۳۳: ۵۳۷؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۵۴۲-۵۴۱؛ قزوینی، ۱۳۴۳: ۱۹۲) و مدتی بعد حکومت حصار شادمان در اطراف جیحون و توابع آن را در سیورغالی میرزا محمد جهانگیر قرارداد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۶۵۱؛ فصیحی خوافی، ۱۳۳۹: ۲۷۱). شاهرخ در سال ۸۱۷ ه.ق پس از فتح نواحی عراق عجم و فارس، حکومت شهر قم و اطراف آن را به «امیرزاده سعد وقاص» سپرد، همچنین سیورغالی و حاصل آن مناطق جهت دیوان وی معین کرد (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۴۴۴-۵۵۶؛ روملو، ۱۳۴۹: ۹۷).

متعاقب شورش شاهزاده قایدو؛ اراضی سیورغال وی از سوی شاهرخ گرفته شد و به شاهزاده سیورغتمیش (فرزند شاهرخ) اختصاص یافت (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۶۹۱؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۵۵۴). همچنین امیرزاده سلطان محمد، بخشی از اراضی منطقه عراق عجم (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۷۵۹؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۷۲۳) و شاهزاده سیدی احمد بن عمر شیخ، منطقه شبورغان را به‌عنوان سیورغال از شاهرخ دریافت نمودند (Forbes Manz, 2007, p. 114; Forbes Manz, 1989, p. 140).

علاوه بر این شاهرخ تمام رُبع نیشابور و توابع آن را به سیورغالی فرزند خود بایسنغر (همان: ۱۵۰) و نواحی کابل و غزنین را (در سال ۸۴۱ ه.ق) به سیورغالی فرزند دیگر خود سیورغتمیش سپرد که متعاقب فوت وی حکومت و سیورغالی نواحی مزبور تا سرحد هندوستان از سوی شاهرخ به میرزا مسعود (پسر سیورغتمیش) واگذار شد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۷۰۴-۷۰۳؛ فصیحی خوافی، ۱۳۳۹: ۲۸۳). همچنین در سال ۸۴۵ ه.ق میرزا سلطان عبدالله، سیورغالاتی در نواحی فارس داشت (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۷۵۶-۷۵۹؛ حسینی فسایی، بی‌تا: ۶۴).

در سال ۸۴۷ ه.ق سلطان محمد، در بخشی از عراق (عجم) که سیورغال وی بود تجاوز

نمود و موجب زحمت رعایا و اخذ مالیات بیشتر گردید، لذا شاهرخ فقط سلطانیه و قزوین را به سیورغالی وی اختصاص داد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶ م/۷۹۵؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۷۲۳). در سال ۸۴۸ ه.ق متعاقب مرگ محمد جوکی، نواحی تحت سیورغال وی از سوی شاهرخ به میرزا محمدقاسم و میرزا ابابکر (فرزندان محمد جوکی) سپرده شد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶ م/۸۵۳-۸۵۱؛ روملو، ۱۳۴۹: ۲۵۶؛ لاری انصاری، میکروفیلم شماره- ADD-MS NO.1650، ورق ۲۷ الف).

واگذاری سیورغال در دوران سایر سلاطین و شاهزادگان تیموری نیز مرسوم بود، برای نمونه: سیورغالی منطقه ختلان از سوی الغیبگ (پسر شاهرخ و حاکم سمرقند) در سال ۸۳۳ ه.ق ابتدا به شاهزاده محمد جوکی و سپس به شاهزاده عبدالله بن ابراهیم (فرزند محمد جوکی) بخشیده شد (تهرانی، ۱۳۵۶: ۳۰۸؛ Forbes Manz, 2007: p.115, 265). همچنین در سال ۸۵۱ ه.ق میرزا ابابکر (فرزند کوچک محمد جوکی) متعاقب مرگ پدر، به فرمان الغیبگ صاحب سیورغالات وی در ختلانات، ارهنگ و سالی سرای شد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶ م/۹۰۴). در سال ۸۵۱ ه.ق الغیبگ سیورغالی بلخ را به فرزند خود، عبداللطیف سپرد (همان: ۲۲۳) که پس از فروکش نمودن شورش عبداللطیف در سال ۸۵۳ ه.ق، بار دیگر الغیبگ نشان سیورغالی ولایت بلخ را برای وی فرستاد (همان: ۹۰۸).

ابوالقاسم بابر نیز در منازعات دستیابی به قدرت و سلطنت، در سال ۸۵۳ ه.ق منطقه تون را به سیورغالی شاهزاده علاءالدوله درآورد تا وی را از هرات دور نماید (همان: ۹۶۴). همچنین بابر در سال ۸۵۷ ه.ق «ولایت یزد را به رسم سیورغال به میرزا خلیل سلطان بن میرزا محمد جهانگیر بن میرزا محمد سلطان بن میرزا جهانگیر بن صاحبقران تیمور گورکان عنایت فرمود» (همان: ۱۰۴۲). به علاوه وی، ولایات مرو، ماخام و جام که ابتدا سیورغال امیر خلیل بود را در سال ۸۵۹ ه.ق به شاهزاده میرزا سلطان سنجر سپرد (همان: ۱۰۸۳؛ خواند میر، ۱۳۳۳: ۵۴). همچنین وی فرمانروایی و سیورغالی سیستان، خشک رود، قندهار، گرمسیر و کابل را به موتمن الدوله تاج الدین حسن شیخ تیمور واگذار نمود (باختری، ۱۳۵۷: ۱۷۶).

سلطان ابوسعید تیموری در سال ۸۶۴ ه.ق منطقه استرآباد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق -

۱۹۴۶/م: ۱۲۲۰) و در سال ۸۶۶ ه.ق، مازندران را به رسم سیورغال به فرزند خود، شاهزاده جلال‌الدین میرزا سلطان محمود سپرد (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۱۲۵۴)، همچنین در سال ۸۶۳ ه.ق تمام ولایت سیستان را در سیورغالی نظام الدوله و الدین ملک شاه یحیی سیستانی (همان: ۱۲۱۳) و در سال ۸۶۷ ه.ق سیورغالی اصفهان را به امیرزاده محمدی سپرد (همان: ۱۲۷۳).

در دوران حکومت بدیع‌الزمان میرزا (۹۱۱-۹۱۲ ه.ق)، سیورغالی ولایت قاین به شاهزاده محمد معصوم میرزا تعلق داشت که متعاقب فوت او به برادر اعیانی وی، ابراهیم حسین میرزا سپرده شد (خواند میر، ۱۳۳۳: ۳۱۳ و ۲۵۷).

۴-۱- شیوخ، سادات، عرفا، علماء و قاضیان: در پاره‌ای از موارد سلاطین تیموری، اراضی سیورغال را به علماء، سادات و مشایخ نیز واگذار می‌کردند؛ چنان‌که در جریان فتح مازندران در سال ۸۱۰ ه.ق توسط سپاهیان شاهرخ، متعاقب آن‌که «سید عزالدین هزارجریبی»^۱ به همراه جمعی از سادات شهر به خدمت شاهرخ رسیدند، وی ناحیه دامغان را به سیورغالی سید عزالدین درآورد (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۲۰۵-۲۰۶؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۱۹؛ نطنزی، ۱۳۳۶: ۱۵۹-۱۶۰؛ خواند میر، ۱۳۳۳: ۵۶۶؛ Forbes Manz, 1989: p.140).

همچنین مرتضای اعظم امیر سید نورالدین محمد بن الامیرالکبیر (صاحب تصانیف مشهوره امیر سید شریف الدین علی جرجانی) از شیراز به هرات آمد و از سوی شاهرخ صاحب مناصب و سیورغال شد. متعاقب فوت وی در سال ۸۳۸ ه.ق، شاهرخ «تمام مناصب و سیورغال و مسلمیات مرتضای مرحوم را به اسامی نامی اولاد گرامی جناب مرتضوی امضاء و اجراء نمود» (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶/م: ۶۸۲).

از دیگر علمایی که در دوران سلطنت سلطان حسین بایقرا صاحب سیورغال شدند، امیر سید اصیل الدین عبدالله الحسینی، از علماء و سادات شیراز بود که به هرات آمد و با موافقت شاهرخ، ضمن تدریس و وعظ در مدرسه عالیه مهد علیا، دارای سیورغالاتی شد که پس از فوت وی، سلطان حسین بایقرا آن را به اولاد سید اصیل الدین واگذار نمود (خواندمیر،

۱. هزارجریب، ناحیه کوهستانی در مازندران و از دهستان‌های چهارگانه شهر ساری می‌باشد.

۱۳۳۳: ۲۳۴).

درباره قاضیانی که صاحب سیورغال شدند؛ سلطان حسین بایقرا؛ ضمن آن که نورالدین محمد امامی (فرزند قاضی صدرالدین محمد بن قاضی قطب)؛ را بعد از فوت قاضی قطب‌الدین احمد به شغل قضاوت منصوب نمود؛ سیورغالات و معافیت‌هایی به وی اختصاص داد. بعد از فوت قاضی نورالدین در سال ۸۹۱ ه.ق، تمام معافیت‌های افضوی و سیورغالات وی به دو فرزندش، شیخ‌الاسلام نورالدین محمد و جلال‌الدین محمود محول گردید (همان: ۳۳۷-۳۳۶). قابل‌ذکر است که نام و مکان سیورغالات وی در منابع عصر تیموری مشخص نشده است.

عراقی همانند نورالدین عبدالرحمن جامی در منطقه هرات و هرات رود (باختری، ۱۳۵۷: ۱۸۳)، مولانا شیخ حق‌الدین بابا حسن خوشمردان در ولایات سبزوار، نیشابور و رامی (باختری، ۱۳۵۷: ۱۷۸)، مولانا کمال‌الدین محمود رفیقی (همان: ۱۸۶) و رکن‌الدین مودود حسینی چشتی (همان: ۱۸۱) صاحب سیورغال و تیول شدند.

۱-۵- وزیران، دیوان‌سالاران، نویسندگان و هنرمندان

در دوران حکومت سلطان حسین بایقرا و آگذاری سیورغال علاوه بر علماء به تعدادی از دیوان‌سالاران، شعرا و ادبا (SUBTELNY, 2007:p.37)، وزراء (که به‌عنوان یکی از منابع درآمد آنان نیز محسوب می‌شد) رواج یافت؛ به‌گونه‌ای که وی سیورغال‌هایی را به خواجه افضل‌الدین محمد و خواجه مجدالدین محمد بخشید (میرخواند، ۱۳۳۹: ۱۱۶، ۱۰۷). ابوالقاسم بابر نیز منطقه سمنان را به سیورغالی وزیر خود «قطب‌الدین طاووس» اختصاص داد (خواند میر، ۱۳۱۷: ۳۹۰، ۳۸۰؛ Forbes Manz, 2007: p.103).

از مورخینی که در دوران تیموریان به دریافت سیورغال نائل گردید، شرف‌الدین علی یزدی (از مقربان ابراهیم سلطان، فرزند شاهرخ و حاکم شیراز که در رکاب وی با اسکندریبگ ترکمان قره قویونلو جنگید) بود که در سال ۸۲۱ ه.ق از سوی امیرزاده اسکندر (پسر عمر شیخ) به سیورغالی قریه تفت یزد نائل شد (کاتب یزدی، ۱۳۵۷: ۲۶۴). ابوالقاسم بابر در رقابت با امرای سلطان محمد در عراق عجم به هنگام رسیدن به یزد با سپردن

سیورغالی شهر تفت به شرف‌الدین علی یزدی که از اعتبار فراوانی برخوردار بود، موفق شد بدون جنگ و خونریزی وارد شهر یزد شده و از آن پس در تعقیب امرای سلطان محمد رهسپار شیراز گردید (Forbes Manz, 2007: p.271).

اگر بپذیریم که استاد محمد غیچکی نوازنده‌ی سازِ غیچک بوده که به استدعای وی، سلطان حسین بایقرا در سال ۸۹۹ ه.ق موضع چهارباغ از ولایت شبرغان که مولد و موطن اصلی او بوده را به‌عنوان سیورغال هودبری وی دانسته که مال و اخراجات نیز از وی نطلبند، می‌توان چنین اذعان نمود که سیورغال در این دوره به هنرمندان نیز اعطاء می‌شد (سمرقندی ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶ م: ۱۴۹۶).

۲- وظایف و امتیازات دارندگان سیورغال (سیورغامیشی‌ها) در عصر تیموریان

از جمله مهمترین امتیازات سیورغامیشی‌ها، معافیت از پرداخت مالیات به حکومت مرکزی بود؛ در این زمینه تیمور درنبرد دشت قپچاق علیه اردوی زرین، افرادی که در میدان جنگ از خود شجاعت نشان داده بودند را از پرداخت مالیات معاف نمود (Asimov and C. E. Bosworth, ibid. p.339). علاوه بر آن مأموران حکومت حق ورود یا دخالت در امور اراضی سیورغال را نداشتند، به‌گونه‌ای که در فرامین آن‌ها این عبارت درج می‌شد که: «مأموران دولت مرکزی قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و پیرامون سیورغال نگردند» (پیکولوسکایا و همکاران، ۱۳۵۴: ۴۴۸). همچنین «سیورغامیشی‌ها» اجازه داشتند تا کلیه مالیات‌ها را از رعایا به نفع خود اخذ نمایند. به علاوه صاحبان سیورغال برخلاف دارندگان اراضی تیول و اقطاع دوره‌های پیشین، ضمن برخوردارگی از معافیت‌های اداری، مالیاتی و مصونیت‌های اداری (پتروشفسکی، ۱۳۴۴: ۴۸۴)، در قلمرو تحت حاکمیت خود حق قضاوت را شخصاً عهده‌دار بودند (NICOLLE PUD, 1990: p.12). برخی از افرادی که سیورغال دریافت می‌کردند به لقب «ترخان» نیز مفتخر می‌شدند (Asimov and C. E. Bosworth, 1998: p.339) که ضمن معافیت از مالیات می‌توانستند آزادانه سلطان را ملاقات کنند، از اسبان آنان مالیات (اولاغ) نمی‌گرفتند و تا نه گناه از آنان و فرزندانشان سؤال نمی‌شد و از مجموع تکالیف آزاد بودند (شامی، ۱۹۳۷ م: ۱۲۳-۱۲۲).

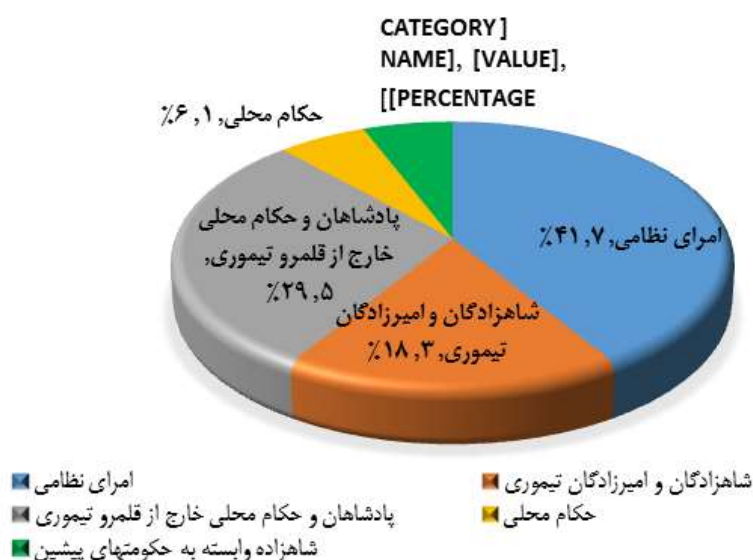
مصونیت‌های قضایی واداری صاحبان سیورغال نوعی استقلال داخلی به آنان می‌داد که برای حکومت و قدرت سیاسی نامطلوب بود (رویمر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۱۲) زیرا «سیورغامیشی‌ها» رأساً به تعیین حکام و مأموران قلمرو خود می‌پرداختند و اراضی خود را به آنان می‌سپردند که آنان نیز در برابر سیورغامیشی مسئولیت داشتند؛ چنان‌که «بایسنغر میرزا» برای اداره سیورغال خود، نماینده‌ای به نام «نواب» را انتخاب کرد و خود در هرات اقامت نمود (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۳۱۷). علاوه بر این به نظر می‌رسد میل برخورداری از اراضی سیورغال که صاحبان آن از مداخلات دولت مصون می‌شدند در فاصله عصر ایلخانان تا صفویه در ایران افزایش یافت (لمبتون، ۱۳۷۷: ۲۰۶). همچنین صاحبان «سیورغال» می‌توانستند بخشی از املاک خود را به زبردستان، دست‌نشانگان و تابعان خود به‌عنوان تیول واگذار نمایند (پطروشفسکی و همکاران، ۱۳۶۶: ۴۸؛ رویمر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۱۲). بسیاری از اُمرا و فرماندهان تیموری در عصر شاهرخ مانند امیر الیاس خواجه (پسر شیخ علی بهادر) حاکم مناطق قم، کاشان و ری، از درآمد و مالیات‌های سیورغال‌های خود برای تقویت سپاه و امور اداری (Forbes Manz, 2007: P. 32) بهره می‌بردند.

در این میان مهم‌ترین وظیفه «سیورغامیشی‌ها» در برابر حکومت مرکزی، فراهم کردن سپاه و نیروی سواره نظام در مواقع ضروری در این میان مهم‌ترین وظیفه «سیورغامیشی‌ها» در برابر حکومت مرکزی، فراهم کردن سپاه و نیروی سواره نظام در مواقع ضروری بود (شامی، ۱۸۸۷: ۲۶ مقدمه). سرانجام سیورغال‌های عصر تیموری برخلاف اقطاع، موروثی شدند و به فیف‌های اروپایی شباهت یافتند (NICOLLE PUD, 1990: p.12).

۳- مقایسه تطبیقی دلایل و نحوه واگذاری سیورغال در عصر تیمور، شاهرخ و جانشینانش

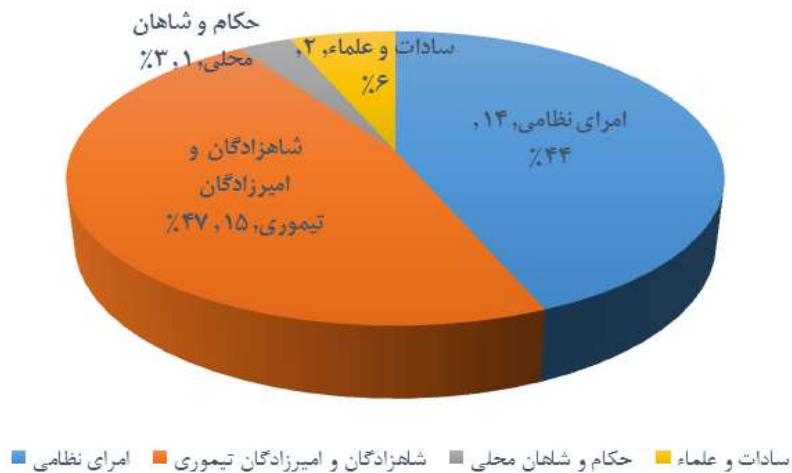
با توجه به مطالب ذکرشده در مقاله حاضر می‌توان چنین ادعان نمود که در دوران حکومت تیمور تعداد ۷ امیرنظامی (شیخ علی بهادر، شاه ملک، حاجی برلاس، امیر مبشر، ساروعادل، کوچه ملک، جلال بهادر) و تعدادی از بهادران لشکر در فتوحات هند، تعداد ۳ شاهزاده و امیرزاده تیموری (امیرزاده عمر شیخ، شاهی ملک دختر امیر حاجی سیف‌الدین،

امیرزاده سلطان حسین)، تعداد ۵ پادشاه و حاکم خارج از قلمرو تیموری (امیرعلی موصلی، حاکم عادل جواز، توقتمیش خان، امیر بایزید، ایلدروم بایزید)، تعدادی از حکام محلی (ملوک گیلان) که تعداد دقیق آنان در منابع ذکر نشده و ۱ شاهزاده وابسته به حکومت‌های پیشین (سلطان اسحق مظفری) به دریافت سیورغال نائل آمدند (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱: میزان واگذاری اراضی سیورغال در دوره تیمور

در دوران شاهرخ تعداد ۱۴ امیرنظامی (همانند: شیخ علی بهادر، الیاس خواجه بهادر، سلیمان شاه، مضراب بهادر، حسن جاندار و پسرش یوسف جلال، شاه ملک، سید احمد ترخان) در خلال سال‌های ۸۱۹-۸۰۸ ه.ق و ۱ نفر از امرای نظامی به نام امیر سید یوسف در سال ۸۴۱ ه.ق صاحب سیورغال شدند. همچنین تعداد ۱۵ شاهزاده و امیرزاده تیموری (همانند: سیدی احمد ترخان، احمد بن عمر شیخ، احمد میرک، سلطان محمد، سعد وقاص، قایدو، سیورغمیش، بایسنغر، میرزا محمدقاسم، میرزا ابابکر، سلطان عبدالله) و ۲ نفر از سادات و علماء (سید عزالدین هزارجریبی، سید نورالدین محمد بن الامیرالکبیر) و ۱ نفر شاه و حاکم محلی (شاه نیکپی) به دریافت سیورغال نائل آمدند (نمودار شماره ۲).



نمودار ۲: میزان واگذاری اراضی سیورغال در دوره شاهرخ

در دوران جانشینان شاهرخ نحوه واگذاری اراضی سیورغال با تغییراتی مواجهه شد به‌گونه‌ای که: در دوران حکومت الغیبگ اراضی سیورغال فقط به ۴ شاهزاده (محمد جوکی، عبدالله بن ابراهیم و میرزا ابابکر (فرزندان محمد جوکی)، عبداللطیف) داده شد. همچنین در دوران حاکمیت امیرزاده عمر میرزا (حاکم مازندران) به برخی امرای مازندران و همچنین به شرف‌الدین علی یزدی (از مورخان مشهور دوران شاهرخ به بعد)، در دوران حکومت ابوالقاسم بابر به ۱۱ تن از امرای نظامی (ناصرالدین پیر درویش، مبارزالدین هزار اسبی، پیر علی هزار اسبی، امیر خلیل، حسن شیخ تیمور، محمد خداداد، حسن جاندار، غیاث‌الدین سلطان حسینی، حسام‌الدین جامی)، تعداد ۳ امیرزاده و شاهزاده تیموری (میرزا خلیل، سلطان سنجر، علاءالدوله)، تعداد ۱ نفر داروغه (قرا ترکمان) و ۱ نفر مورخ (شرف‌الدین علی یزدی) سیورغال واگذار گردید. همچنین در دوران حاکمیت ابوسعید ۳ نفر از امرای نظامی (حسن جاندار، پهلوان حسین دیوانه، رهبر امرای ایل جلایر ساکن گل‌افشان استرآباد)، تعداد ۴ شاهزاده و امیرزاده تیموری (محمد معصوم میرزا، جلال‌الدین سلطان محمود میرزا، امیرزاده محمدی)، تعداد ۱ مورخ (شرف‌الدین علی یزدی)؛ در دوران یادگار میرزا تعداد ۲ امیرنظامی (ایوب، حسن شیخ تیمور)، در دوران سلطان حسین بایقرا تعداد ۲ امیرنظامی (حسن شیخ تیمور، زین‌الدین)، تعداد ۲ شاهزاده تیموری (محمد معصوم میرزا و موتمن الدوله تاج‌الدین

حسن شیخ تیمور)، تعداد ۱ نفر از علماء (سید اصیل الدین الحسینی)، تعداد ۳ قاضی (نورالدین محمد امامی و فرزندانش محمود شیخ الاسلام و نور محمد)؛ تعداد ۴ نفر از عرفا (عبدالرحمن جامی، مولانا شیخ حق الدین بابا حسن خوشمردان، مولانا کمال الدین محمود رفیقی و مودود حسینی چشتی)، تعداد ۳ نفر از امرای دیوانی (خواجه افضل الدین محمد، خواجه مجدالدین محمد، سید قطب الدین طاووس)، تعداد ۱ نفر هنرمند نوازنده (استاد محمد غیچکی) و در دوران حکومت بدیع الزمان میرزا فقط یک شاهزاده تیموری (ابراهیم حسین میرزا) به دریافت سیورغال نائل آمدند (نمودار شماره-۳).



نمودار ۳: میزان واگذاری اراضی سیورغال در دوره جانشینان شاهرخ

درباره علل و نحوه واگذاری اراضی سیورغال در دوران تیموریان بایستی چنین اذعان نمود که:

با بررسی دقیق انواع اراضی سیورغال در عصر تیموریان می‌توان این نکته را به‌وضوح دریافت که میان ساختار قدرت سیاسی و اقتصادی ارتباط مستقیمی وجود داشت و انجام خدمات نظامی رابط بین این دو ساختار بود. هرچند گرایش‌های گریز از مرکز و استقلال

طلبانه رهبران و روسای بلندپایه ترک و مغول عامل اصلی شکل‌گیری اراضی سیورغال بود، اما این نوع اراضی از نظر نوع، نحوه واگذاری و امتیازات در عصر تیموری یکسان نبودند.

در حقیقت تیمور قبل از رسیدن به سلطنت، در هنگام لشکرکشی به قلمرو چغتاییان به اغلب فرماندهان نظامی ارتش خود که از امراء و سران قبایل برجسته بودند، اراضی همانند فیف های فتودالی اعطاء کرد که آنان را به نخبگان نیمه فتودال جهان اسلام تبدیل نمود؛ اما مالکیت اراضی سیورغال و امتیازات آن با اراضی فتودالی اروپا و اقطاع تفاوت داشت. مالکیت این اراضی برخلاف اراضی فتودالی اروپا، کماکان به حاکم و سلطان تعلق داشت که می‌توانست از صاحبان آن باز پس گرفته شود. سرانجام سیورغال های عصر تیموری برخلاف اقطاع، موروثی شدند و به فیف های اروپایی شباهت یافتند (NICOLLE, 1990: 12). درواقع تیمور به‌جای ایجاد سیستم متمرکز حکومتی، به اعطای سیورغال به اعضای خاندان حاکم، پسران و نوادگان خاندان تیموری، نوکران و غلامان خاصه، فرماندهان نظامی و حتی سربازان عادی که در جنگ‌ها و فتوحات خدمات نظامی شایسته‌ای انجام داده بودند، اقدام نمود (Asimov and C. E. Bosworth, 1998, 338). علاوه بر این تیمور در لشکرکشی‌ها و فتح بلاد به امراء و شجاعان سپاه ضمن اختصاص بخشش‌هایی از غنایم، سیورغال‌هایی نیز در جهت تشویق آنان در پیشبرد فتوحات، رزم آزمایی و تلاش برای غلبه بر دشمن اعطاء می‌نمود (دین پرست، ۱۳۹۹: ۱۷). شاهرخ نیز در واگذاری سیورغال‌ها به امراء، شاهزادگان و...مانند تیمور عمل کرد که در ابتدا به نظر می‌آید این موضوع با تمرکزگرایی در تضاد بود، اما درواقع وی نواحی و مناطقی را به‌عنوان سیورغال واگذار می‌نمود که مانع از تمرکز قدرت در منطقه اصلی حکومتی بودند، زیرا املاکی که در خارج از ایالاتی که دارای مناصب و مشاغل رسمی اداری قرار داشتند و یا ایالات شاهزادگانی که به آن‌ها وابستگی شدیدی وجود نداشت، به‌عنوان سیورغال به افراد مختلف می‌بخشید. در این میان وی حتی به واگذاری اراضی سیورغال به خاندان‌های امراء و فرماندهان شورشی تمایل داشت (Forbes Manz, 2007: 113). علاوه بر این پس از برپایی حکومت متمرکز شاهرخ به مرکزیت هرات و توجه به سنت‌های ایرانی، قوانین اسلامی و اعتلای دیوان اعلاء، صاحبان سیورغال که به عدم تمرکز متمایل بودند، تضعیف شدند.

بدین ترتیب اگرچه در عصر تیمور، سیورغال تنها به امیران و فرماندهان نظامی سپرده می‌شد، اما به تدریج عامل استقلال‌طلبی آنان همانند امیر سید خواجه و امیر جهان ملک گردید (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۲۷۵؛ سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶ م: ۳۵-۳۸). این موضوع موجب شد تا پس از آن شاهرخ، اراضی سیورغال را به امیرزادگان و امرایی مانند امیر جلال‌الدین فیروز شاه (حاکم هرات) که مخالف تمایلات گریز از مرکز و آداب مغولی و علاقه‌مند به سنت‌های ایرانی بوده و در عین حال وفاداری بیشتری نسبت به حکومت داشتند، اعطاء نماید (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۶۳۱). در حقیقت واگذاری اراضی سیورغال در عصر تیمور وسیله‌ای برای حمایت بود، اما در عصر شاهرخ به شکل اصلی پرداخت حقوق امرای تبدیل گردید (Forbes Manz, 1989: 140). همچنین شاهرخ از اعطای اراضی به شیوه سیورغال برای دادن پاداش به فرماندهان و امرای خود بهره گرفت (abid: 140).

از سوی دیگر هرچند سیورغال در عصر شاهرخ نیز، به صورت موروثی به فرزندان صاحبان سیورغال (سیورغامیشی) می‌رسید (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۳۶۷)، اما در بسیاری از موارد عوامل مختلفی موجب ستاندن این سیورغال‌ها از دارندگان پیشین و واگذاری آن‌ها به شخص دیگری می‌شد.

بدین ترتیب پس از تثبیت حکومت تیموریان در عصر شاهرخ و تمرکز وی بر امور لشکری و کشوری و سرکوب سیورغامیشی‌های استقلال‌طلب، از میزان اراضی «سیورغال» کاسته شد. علاوه بر این هرچند در عصر شاهرخ به امیرزادگان، امرای لشکری، روحانیان و سادات سیورغال‌های بزرگ و کوچک اعطاء گردید، اما صاحبان سیورغال در عصر شاهرخ تابع و مطیع دولت مرکزی بوده و تنها از عواید مادی و مالی آن برخوردار بودند و در غیر این صورت سیورغال از آن‌ها بازستانده می‌شد. برای نمونه در سال ۸۰۹ ه.ق به هنگامی که علی نصرالله ترشیزی «کوتوال قلعه ترشیز»، در مخالفت با شاهرخ به امیر سعید خواجه پیوست و همراه با وی علیه شاهرخ شورید، شاهرخ پس از فتح قلعه و سرکوب شورشیان، کلیه ملحقات و سیورغال کوتوال را به امیر مضراب (بن چکو) بهادر واگذار نمود که عامل مهمی در پیروزی بود (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۲۵۹؛ Forbes Manz, 1989: 140).

همچنین شاهرخ پس از سرکوبی شورش شاهزاده قایدو (حاکم بلخ و کابل)، اراضی

سیورغال وی را به شاهزاده سیورغتمیش (فرزند خود) سپرد (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۶۹۱؛ خواند میر، ۱۳۳۳: ۵۵۴). در سال ۸۴۷ ه.ق نیز هنگامی که سلطان محمد در بخشی از منطقه عراق عجم که سیورغال وی بود، عصیان نمود و علاوه بر مالیات مقرر، اموال بی‌شماری از رعایا اخذ نمود؛ در نتیجه شاهرخ از میزان اراضی سیورغال وی کاست و تنها سلطانیه و قزوین را به وی واگذار و خواجه شمس‌الدین بخاری را برای پس گرفتن نواحی دیگر از دست سلطان محمد مأمور نمود (سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶ م: ۷۵۹؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۷۲۳).

ذکر این نکته ضروری است که برخی از وزیران همانند غیاث‌الدین سالار سمنانی در عصر شاهرخ و مجدالدین محمد در عصر سلطان حسین بایقرا به انجام امور اصلاحی در برابر نیروهای گریز از مرکز از جمله لغو امتیازات و سیورغال‌های آنان پرداختند، چنان‌که مجدالدین محمد «ابواب منافع امراء و مقربان را مسدود گردانید» (میرخواند، ۱۳۳۹: ۱۱۶) و «لاجرم در اندک مدتی دو هزار تومان کپکی از بابت امراء و وزراء و جمله دیوان اعلی و بقایای تحویل آن در خزانه عامره محزون گشت و اکثر نویسندگان تباہ و به نان محتاج» شدند (همان: ۱۰۷).

بدین ترتیب واگذاری اراضی سیورغال در دوران تیموریان ضمن تداوم با تحول روبرو شد. سلاطین تیموری با وجود آن که خود را «سلطان» نامیده و قدرت مطلقه برای خود قائل بودند و تیمور سیورغال‌هایی را به نظامیان اعطاء می نمود، اما از آنجایی که پس از دوران شاهرخ خزاین دولت در نتیجه تخاصمات، درگیری‌ها و اوضاع نابسامان داخلی تهی شده بود، به اجبار بسیاری از اراضی را به‌عنوان «سیورغال» به امرا و حکام محلی می‌سپرد، ضمن آن که تلاش بسیار در کنترل آن نمود. اما پس از وی سلاطین تیموری بخصوص ابوالقاسم بابر و سلطان ابوسعید به توزیع سخاوتمندانه اراضی سیورغال پرداختند که تنها به خاندان تیموری و امرای چغتایی که تیمور از آنان حمایت می‌کرد محدود نمی‌شد، چنان‌که پیش‌از این ذکر شد در دوران حکومت سلطان حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ ه.ق) اراضی بی‌شماری به‌عنوان سیورغال و تیول به علماء، شعرا و ادبا (Subtelny, 2007: 37) و افراد مختلف واگذار می‌شد.

درباره اعطای سیورغال به پادشاهان و حکام خارج از قلمرو تیموری همانند امیرعلی

موصلی، توقتمیش خان، ایلدروم بایزید و امیر بایزید از سوی تیمور می توان چنین اذعان نمود که میل تیمور به جهانگشایی و فتوحات موجب می شد که وی برای اطمینان از عدم درگیری چندجانبه در جبهه های جنگ، ضمن فتح نواحی مزبور و به اطاعت درآوردن حکام، نواحی مفتوحه را بار دیگر به همان حکام و پادشاهان واگذار نموده و به نوعی آنان را نیز وامدار خود می نمود. علاوه بر این تمرکز اصلی تیمور برای حکومت منطقه ماوراءالنهر و ایران بود که به تبع اداره آن نواحی از سوی حاکمان سابق سهل تر بود ضمن آن که باج و خراج خود را به موقع به تیموریان می پرداختند.

۴- پیامدهای واگذاری اراضی سیورغال در عصر تیموریان

اعطای سیورغال در عصر تیموریان پیامدهای منفی و مثبتی را به همراه آورد. از جمله پیامدهای منفی آن این بود که درواقع سیورغال های بزرگ و گسترده از جمله ابزارها و پایه های مخالفت دیوانی و اقتصادی میان عناصر ترک نژاد (نظامی و چادرنشین) و عناصر یکجانشین (ایرانی) گردید، درحالی که دولت تیموریان که از دوران شاهرخ به ایجاد تمرکز توجه داشت، می بایستی از گسترش سیورغال ممانعت به عمل می آورد (رویمر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۲۷-۲۲۸). علاوه بر این هرچند گسترش قلمرو «سیورغامیشی ها» و حمایت اُمراء و رهبران ایلات به استحکام پایه های حکومت سلاطین تیموری همانند شاهرخ منجر شد، اما بخشش های مالیاتی وی و همچنین احیاء اراضی بایر همراه با تقویت تمایلات گریز از مرکز، موجب فشار بر کشاورزان و روستائیان شد. علاوه بر این اختیارات وسیع «سیورغامیشی ها» در امور لشکری، دادرسی، قضائی و مالی (SUBTELNY, 2007: 37) موجب تبدیل آنان به زمین داران و مالکان بزرگ در دوران تیموریان گردید که به نوبه خود در تضعیف حکومت مزبور بعد از شاهرخ نقش آفرین بود. علاوه بر این اگرچه اراضی سیورغال موجب اهمیت قائل شدن مالکان نسبت به اراضی و در نتیجه به دست آمدن میزان بالاتری از محصول بود، اما مصونیت های قضایی و اداری صاحبان سیورغال نوعی استقلال داخلی به آنان می داد که برای حکومت و قدرت سیاسی نامطلوب بود (رویمر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۱۲). برای نمونه امیر سید خواجه در سال ۸۰۹ ه.ق و امیر جهان ملک در سال ۸۱۰ ه.ق در اوایل حکومت شاهرخ به شورش و استقلال طلبی علیه او پرداختند (حافظ ابرو،

۱۳۷۲: ۲۷۵؛ سمرقندی، ۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶ م/ ۳۵-۳۸). به علاوه گسترش واگذاری اراضی سیورغال و تیول در دوران حکومت سلطان حسین بایقراء و جانشینان وی به اقشار مختلف از یک‌سو به قدرتمند شدن حکام و امرای لشکری و از سوی دیگر به افزایش فقر، نابسامانی اجتماعی و تضعیف و زوال تیموریان منجر شد (Subtelny, 1988 A: 124-125).

از جمله پیامدهای مثبت اعطای اراضی «سیورغال» در عصر تیموریان (برخلاف اعصار پیشین) به اقشار مختلف این بود که متولیان اراضی موقوفی و مالکان اراضی ملکی در شهرها مستقر گردیدند و به عبارتی از شهروندان متنفذ محسوب می‌شدند (رویمر و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۲). همچنین در دوران جانشینان تیمور، از منابع مهم پشتیبانی حکومت از هنرمندان، منشاء گسترده حمایتی بود که به دلیل تغییرات اجتماعی و سیاسی ناشی از توزیع آزادتر اراضی «سیورغال» پدید آمده بود که به‌نوبه خود موجب گردآوری میراث هنری از جمله کتب، آثار نقاشی، خوشنویسی و... بازمانده از اعصار ایلخانی، جلایری و مظفریان بود (Subtelny, 1988-b: 482-499).

بنابراین سیورغال و دیگر معافیت‌های مالیاتی، امتیازاتی برای ذینفعان آن در برداشت، ولی مهم‌ترین منبع تأمین سرمایه برای حمایت از فعالیت‌های فرهنگی در عصر تیموریان بود. با این‌وجود در دوران جانشینان شاهرخ، سرانجام بخشش‌های سخاوتمندانه و بدون حساب‌و‌کتاب سلاطین تیموری در مسیر جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی برای خزانه مرکزی مشکلاتی به وجود آورد که به‌صورت دوره‌ای کمبودهایی را به دنبال داشت و عملکرد دولت و مشروعیت آن را به خطر می‌انداخت. این موضوع موجب شد تا جانشینان شاهرخ تلاش‌هایی در جهت تمرکز مدیریت اراضی از طریق اصلاح نظام زمین‌داری و مالیاتی انجام دهند، اما سیاست تمرکزگرایی، آنان را بر سر دوراهی و تنگنا قرار داد؛ زیرا هرگونه اصلاحات در رابطه با زمین‌داری و جمع‌آوری مالیات‌ها مستلزم محدود کردن امتیازات نخبگان ترک بود که تیموریان در زمینه نظامی به آنان وابسته بودند. در نتیجه واگذاری اراضی سیورغال در ایران پس از عصر تیموریان نیز همچنان تداوم یافت.

نتیجه

به هنگام شکل‌گیری حکومت تیمور در ساخت سیاسی حکومت، منطق عصبیت و پیوند قبایلی میان تیمور و متحدانش (شامل رهبران، اُمراء و فرماندهان قبایل تُرک- چغتایی و مغول که تکیه‌گاه اصلی تیمور بودند) نقش اساسی داشت، چنان‌که توجه تیمور به اصول و قوانین مغولی، یاسا و تزوئات تیموری نشانگر پیوند قبایلی است. لذا تیمور در راستای جهانگشایی و فتوحات و به جهت همراه نمودن امرای قبایل با خود، امتیازاتی از جمله سیورغال را (به‌صورت موروثی در ازای انجام خدمات نظامی) به آن‌ها اعطاء نمود، اما در دوران جانشینان وی این فرایند با تغییراتی روبرو گردید؛ چنان‌که با به قدرت رسیدن شاهرخ، دوران گذار از ساختار قبیله‌ای به ساختار شهری و «عصر جهانداری» آغاز شد؛ زیرا با پایان یافتن «عصر جهانگشایی» قبایل به‌اندازه دوران تیمور کارآمد نبودند. در این راستا شاهرخ می‌بایست برای عبور از دوران گذار، از نظام قبایلی به‌نظام شهری، ضمن حفظ پیوند اولیه قبایلی حکومت، به‌سوی نظام شهری (ایران‌شهری) و مدنیت گام برمی‌داشت تا از همکاری و حمایت دیگر گروه‌های اجتماعی همانند دیوان‌سالاران، علماء و اهل‌قلم برخوردار گردد. علاوه بر این گذار از ساختار قبیله‌ای به‌نظام شهری نه‌تنها تغییراتی در حوزه سیاست همانند به کار بردن قوانین دین اسلام در شرع و عرف (که حاوی قوانین مدنی و مناسب برای نظام شهری است) را لازم می‌گردانید، بلکه ایجاد تغییراتی در زمینه ساختار اقتصادی و مالکیت ارضی را ضروری ساخت که از جمله آن تغییر در نحوه واگذاری و امتیازات ارضی «سیورغال» بود.

درواقع تمایل شاهرخ به تمرکزگرایی، تقویت نظام شهری و رعایت قوانین دین اسلام در سراسر قلمرو حکومتی، موجب شد تا وی به‌نوعی دارندگان سیورغال (که در فتوحات تیمور نقش‌آفرین بودند) را تحت کنترل دولت قرار داده و محدود نماید؛ اما آنچه «سیورغامیشی» ها را به یک قدرت سیاسی برتر نسبت به رقبای آنان تبدیل می‌کرد، برخورداری آنان از معافیت مالیاتی، خدمات اداری، مصونیت‌های قضایی و مصونیت از مداخلات دولتی در امور سیورغال‌ها بود. لذا در دوران تثبیت حکومت تیموریان در عصر شاهرخ در راستای نظام «ایران‌شهری» و ایجاد تمرکزگرایی، ضرورت داشت از تجمیع منابع چندگانه قدرت (زمین-

قلمرو، جمعیت و دیوانسالاری) در دست فرماندهان و امرای نظامی قبایلی جلوگیری نماید تا از تمایلات استقلال‌طلبی و گریز از مرکز آنان ممانعت به عمل آورد. بدین ترتیب از دوران شاهرخ تا پایان حکومت تیموریان، مهم‌ترین پیامد تغییر در نحوه واگذاری و امتیازات سیورغال داران این بود که نه‌تنها از میزان اراضی سیورغال اُمرآ و فرماندهان نظامی کاسته شد، بلکه کثرت اقشار برخوردار از سیورغال همانند دیوان‌سالاران، علماء، اهل‌قلم و ... سبب کاهش وسعت و میزان اراضی سیورغال گردید.

منابع و مأخذ

کتابها

- استر آبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۸۴)، *سنگلاخ- فرهنگ ترکی به فارسی*، ویرایش روشن خیای، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم.
- السلمانی، تاج‌الدین (۱۹۵۵/م)، *شمس الحسن*، چاپ *عکسی از روی نسخه شماره- ۳۰۴۵*، *کتابخانه لالا افندی*، با ترجمه آلمانی از هانس روبرت رومر، ویسپادن، چاپخانه فرانتس اشتاینر.
- باخزری، نظام‌الدین عبدالواسع (۱۳۵۷)، *مثنی‌الانشاء*، تألیف ابوالقاسم شهاب‌الدین احمد خوافی، به کوشش رکن‌الدین همایونفرخ، جلد اول، تهران، دانشگاه ملی ایران.
- پطروشفسکی (۱۳۴۴)، *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- پیکولوسکایا و همکاران، نینا (۱۳۵۴)، *تاریخ ایران از آغاز تا پایان سده هیجدهم میلادی*، ترجمه کریم کشاورز، ج ۲، تهران، موسسه تحقیقات اجتماعی.
- تاکستن، حیدر، درال، راکسبورد و همکاران (۱۳۸۴)، *تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی.
- تربتی حسینی، ابوطالب (۱۳۴۲)، *نزوکات تیموری*، از روی نسخه چاپی آکسفورد ۱۷۷۳/م، تهران، کتاب‌فروشی اسلامییه.
- تهرانی، قاضی ابوبکر (۱۳۵۶)، *دیاریکریه، با مقدمه فاروق سومر- نجاتی لوقال*، تهران، طهوری.
- حافظ ابرو (۱۳۴۹)، *جغرافیای حافظ ابرو*، به کوشش نجیب‌مایل هروی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- حافظ ابرو (۱۳۷۲)، *زبده‌التواریخ*، به کوشش سید کمال حاج سید جواد، تهران، نشر نی.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسین (بی‌تا)، *فارسنامه ناصری*، تهران، کتابخانه سنایی، چاپ سنگی.

- خوافی، فصیح احمد بن جلال محمد (۱۳۳۹)، *مجمعل فصیحی*، به تصحیح و تحشیه محمود فرخ، مشهد، باستان.
- خواند میر، غیاث‌الدین بن همام الدین الحسینی (۱۳۳۳)، *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، به اهتمام جلال‌الدین همایی و دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، کتاب‌فروشی خیام.
- خواند میر، غیاث‌الدین (۱۳۱۷)، *دستورالوزرا*، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران، اقبال.
- روملو، حسن بیک (۱۳۴۹)، *احسن التواریخ*، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- رویمر، هانس روبرت (۱۳۸۰)، *ایران در راه عصر جدید*، ترجمه آذر آهنچی، تهران، دانشگاه تهران.
- رویمر و همکاران، هانس روبرت (۱۳۸۷)، *تاریخ تیموریان «به روایت کمبریج»*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی.
- زمچی اسفزاری، معین‌الدین محمد، *ترسل، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی*، شماره بازیابی ۱۱۱۳۷۱۸.
- زمچی اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۸۰ ه.ق - ۱۹۶۱ م)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، کلکته، مطبعه رر پاسری.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۶۵ ه.ق - ۱۹۴۶ م)، *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، به تصحیح پروفیسور محمد شفیع، لاهور، چاپخانه گیلانی.
- شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳)، *ظفرنامه*، به اهتمام فلکس تاور، پراگ چکسلواکی، چاپخانه دولتی پداگوژیک.
- شامی، نظام‌الدین (۱۹۳۷ م)، *ظفرنامه*، به اهتمام فلکس تاور، با مقدمه پناهی سمنانی، بیروت: مطبعه آمریکایی.
- فوریزمنز، بتاتریس (۱۳۷۷)، *برآمدن و فرمانروایی تیمور*، ترجمه منصور صفت گل، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳)، *تاریخ جهان آراء*، به اهتمام مجتبی مینوی، تهران، کتاب‌فروشی حافظ.

- کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی (۱۳۵۷)، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- لاری انصاری، مصلح الدین (بی تا)، *میکروفیلم شماره* ADD-MS NO.1650
- لمبتون، ک. آن. س (۱۳۷۷)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی-فرهنگی.
- محمد پادشاه (شاد) (۱۳۳۶)، *فرهنگ جامع فارسی آندراج*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی خیام.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه بلخی (۱۳۳۹)، *روضه الصفا*، ترجمه مصالح، تهران، کتابفروشی خیام.
- نطنزی، معین الدین (۱۳۳۶)، *منتخب التواریخ معینی*، به کوشش ژان اوبن، ترجمه عباس پرویز، تهران، کتابفروشی خیام.
- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل الله (۱۳۷۳)، *جامع التواریخ*، به کوشش روشن و مصطفی موسوی، تهران، نشر نو.
- یزدی، شرف الدین علی (۱۸۸۷/م)، *ظفرنامه*، به تصحیح و تحشیه مولوی محمد الهداد، کلکته: بیتست مشن پاریس.
- یزدی، شرف الدین علی (۱۳۳۶)، *ظفرنامه*، به تصحیح و اهتمام محمد عباسی، تهران، امیرکبیر.
- یزدی، شرف الدین علی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه*، محقق سید سعید میر محمدصادق، مصحح عبدالحسین نوایی، تهران، کتابخانه، موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی.
- **مقالات**
- بوآ، ل، «تمدن تیموریان»، ترجمه باقر امیرخانی، *نشریه دانشکده ادبیات تبریز*، ش ۱۰، ۱۳۴۴.
- دین پرست، ولی «فنون رزم و تجهیز سپاه در رویکردهای نظامی تیمور»، *فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی*، ش ۲۴، ۱۳۹۹.

منابع انگلیسی

- Asimov, M.S. and C. E. Bosworth, (1998), History of Civilizations of Central Asia. The age of achievement: A.D. 750 to the end of the fifteenth century. Volume IV.) 1998, Part One. The historical, social and economic setting. Editors: M. S. Asimov and C. E. Bosworth, Multiple History Series, UNESCO Publishing English text edited by Jana Gough. Composed by Éditions du Mouflon, 94270 Le Kremlin-Bicêtre (France), Printed by Imprimerie Darantiere, 21800 Quétigny (France), Published in 1998 by the United Nations Educational.
- Forbes Manz, Beatrice, (2007), Power, Politics and Religion in Timurid Iran. Editorial Board, David Morgan (general editor) Virginia Aksan, Michael Brett, Michael Cook, Peter Jackson, Tarif Khalidi, Chase Robinson, Cambridge University Press.
- Forbes Manz, Beatrice (1989), The rise and rule of Tamerlane. Cambridge Studies in Islamic Civilization. General Editor, Martin Hinds. Advisory Editors Josef van Ess, Mwtin Kunt, David Morgan, Roy Mottahedeh.
- NICOLLE PHD, David (1990), THE AGE OF TAMER LANE. Color plates by ANGUS MCBRIDE. first published in Great Britania. By osprey publishing, Elms Gourt, chapul way, Bottey, oxford ox2 9Lp, United Kingdom.
- SABTELNY, Maria, Eva, (1988-a), "Centralizing reform and its opponents in the late Timurid period", Iranian studies, xxI, nos.1-2.
- SABTELNY, Maria, Eva, (1988-b). Socio economic bases of cultural patronage under the Timurid, International journal of Middle East studies, I jmEs. Vol. 20, no, 4. pp. 479-505.
- SABTELNY, Maria, Eva (2007), "Timurids in Transition. Turko-Persian Politics and Acculturation in. Medieval Iran. LEIDEN" BOSTON. Brill's Inner Asian Library. Editors Nicola Di Cosmo. Devin DeWeese. Caroline Humphrey, VOLUME 19.